

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی
۲۵ می ۲۰۱۵

از هر فرصتی برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی و اجتماعی استفاده کنیم!

ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، به معنای واقعی یک جهنم سوزان و یک زندان بزرگی برای اکثریت شهروندان جامعه‌مان است. در چنین موقعیتی نه تنها زندانیان سیاسی، بلکه بسیاری از انسان‌ها به دلایل اجتماعی و اقتصادی در زندان‌ها هستند.

در این زندان بزرگ نیز زندان‌های بی‌شمار مخفی و علنی نیز وجود دارد که به اقرار مقامات و مسوولین اغلب این زندان‌ها، با تراکم زندانیان و فضای کم رو به رو هستند.

هم‌اکنون ده‌ها هزار زندانی به دلایل مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دستگیر و زندانی شده‌اند. برای مثال کم نیستند زنانی که به خاطر عدم رعایت حجاب اجباری اسلامی؛ به دلایل فقر و عدم پرداخت بدهی‌های ناچیزش؛ یا به خاطر عدم توانایی پرداخت مهریه؛ یا به خاطر یک دعوی کوچک؛ به خاطر اعتیاد، به خاطر تن‌فروشی، یا به خاطر توهین به سران حکومت و ایدئولوژی اسلامی آن؛ یا این که فردی به یک بسیجی و پاسدار کج نگاه کرده و... در زندان‌های مخوف این حکومت جانی، زیر انواع و اقسام شکنجه‌های روحی و جسمی قرار دارند.



هم‌اکنون تعدادی از فعالان و چهره‌های شناخته‌شده جنبش کارگری که در مقطع اول ماه می بازداشت شده‌اند هم‌چون محمود صالحی از چهره‌های شناخته‌شده کارگری و عثمان اسماعیلی عضو کمیته دفاع از فعالان کارگری در شهر سقز در ۸ اردیبهشت [ثور] دستگیر شدند. پس از گذشت ۵ روز از دستگیری آنان، خانواده‌های آنان با مراجعه به شعبه ۵ دادرسی دادسرای انقلاب اسلامی در سنندج با خبر شدند که دستگیری آنان با اتهام «ایجاد تشکل کارگری» صورت

گرفته و برایشان ۱۵ روز قرار بازداشت صادر شده است. محمود صالحی و عثمان اسماعیلی همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

پدرام نصرالهی، شاپور احسانی‌راد، فواد و آرام زندی، ربیوار عبداللهی، شادی رسولی، همسر یوسف آب خرابات، قاسم و ابراهیم مصطفی پور و محمد کریمی، جعفر عظیم زاده، جمیل محمدی، فرزاد مرادی نیا و...، همچنین ابراهیم مددی و داوود رضوی، از اعضای هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، پس از ۲۲ روز زندان با قرار کفالت ۱۰۰ میلیون تومانی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ از زندان اوین آزاد شدند.

شاهرخ زمانی و محمد جراحی از اعضای کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری و از فعالان کارگری شناخته‌شده ایران، از جون ۲۰۱۱ در زندان به سر می‌برند و بارها مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند. بهنام ابراهیم‌زاده، دیگر عضو این کمیته و از مدافعان حقوق کودکان در ایران، از ماه جون سال ۲۰۱۰ در زندان است و ضمن گذراندن دوران محکومیت بارها دوباره دادگاهی شده است. رضا شهابی، که از جون ۲۰۱۰ زندانی بوده است، در حال حاضر به علت جراحی و بدتر شدن شرایط جسمی‌اش در اثر بدرفتاری‌هایی که در زندان متحمل شده بود، در مرخصی استعلاجی با قید و شرط به سر می‌برد.

رسول بدایی، عضو کانون صنفی معلمان تهران، در شهریور [سنبله] ۸۸ دستگیر و به بند ۲۰۹ اوین انتقال یافت و سپس به شش سال حبس محکوم شد. زمانی که رسول بدایی در انفرادی بود منزلش مورد تفتیش قرار گرفت و همسر و دخترش به شعبه ششم بازپرسی شهید مقدس اوین احضار شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند.

علاوه بر این‌ها، دادگستری اردکان در همکاری با کارفرما به اتهام «اخلال در نظم و جلوگیری از احقاق حق دیگران» ۵ کارگر معدن چادرملو را به یک سال حبس تعزیری و شلاق محکوم کرد. اما با توجه به سن و سال و کارگر بودن‌شان، حکم شلاق به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل و حکم یک سال حبس تعزیری به ۵ سال حبس تعلیقی تغییر پیدا کرده است.

یدالله صمدی دبیر و اقبال شبانی (عمر)، بازرس انجمن صنفی کارگران خبازی‌های سندانج و حومه هستند، در ابتدای بهمن [دلو] سال گذشته به اتهام «اخلال در نظم» در دادگاه انقلاب و جزائی سندانج محاکمه شده و به تحمل ۵ ماه حبس تعزیری و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند. محکومیت این دو فعال کارگری به ۵ سال حبس تعلیقی تبدیل شده است.

سازمان‌های عفو بین‌الملل و دیدبان حقوق بشر، نهم اردیبهشت ماه، در مورد گزارش‌ها از بازداشت ده‌ها نفر از فعالان سیاسی در استان خوزستان به وسیله نیروهای اطلاعاتی و امنیتی ایران، طی بیانیه‌ای نگرانی‌ها از «بازداشت گسترده» فعالان سیاسی در خوزستان را ابراز کرده‌اند. بنا بر این گزارش‌ها در میان بازداشت‌شدگان کودکان نیز حضور دارند.

همچنین خبر هجوم مأموران امنیتی به خانه نرگس محمدی و بازداشت دوباره وی در حالی منتشر شد که این فعال مدنی روز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب حاضر شد. «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و عضویت در لگام (کارزار لغو گام به گام اعدام در ایران)» اتهاماتی بودند که در این جلسه توسط مدعی‌العموم علیه او مطرح شدند. در این جلسه اما به این اتهامات رسیدگی نشد.

نرگس محمدی علت عدم رسیدگی به اتهامات خود در جلسه پیشین دادگاه انقلاب را اعتراض وکلای خود به روند رسیدگی به این پرونده عنوان کرده بود. به گفته نرگس محمدی، وکلای او به این مسأله که با مراجعه مکرر به دادگاه اجازه مطالعه پرونده مؤکل‌شان به آن‌ها داده نشده است، اعتراض کرده بودند. به این ترتیب رسیدگی به اتهامات نرگس محمدی به جلسه بعدی دادگاه موکول شد.

نگار حائری، فعال مدنی و مشاور حقوقی، دیروز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت، از بند زنان زندان اوین جهت بازجویی به سلول‌های انفرادی زندان اوین منتقل شد.

نگار حائری دانش‌آموخته حقوق، که سابقه بازداشت قبلی نیز دارد، روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت، جهت ادای پاره‌ای از توضیحات احضار و مستقیماً به بند زنان زندان اوین منتقل شد، از اتهامات و دلایل بازداشت این فعال مدنی هنوز هیچ اطلاع جدیدی در دسترس نیست و مسؤولین قضائی نیز در این رابطه به خانواده وی چیزی نگفته‌اند.

در حالی که چندی پیش معاون قوه قضائیه آمار زندانیان در ایران را «تکان‌دهنده» توصیف کرده بود، وزیر بهداشت حکومت اسلامی ایران نیز در دیداری از زندان قزل حصار تهران از شیوع گسترده ایدز و سل در میان زندانیان خبر داده و وضع بهداشتی زندان‌های یکی از ده کشور پرزندان جهان را «أسف‌بار» نامیده است.

بنا به گزارش خبرگزاری‌های داخلی، حسن قاضی‌زاده هاشمی، پس از بازدید از زندان قزل حصار گفته است:

«در یک فضای کوچک ۱۴ نفر زندگی کنند. سرانه فضای در زندان باورکردنی نیست. از نظر محل استقرار باید فکر مؤثری صورت گیرد و صرف همدردی کاری را درست نمی‌کند. لذا باید سرانه‌ها تغییر پیدا کند. سرانه غذا، لباس و بهداشت بسیار مهم است که حتماً باید افزایش یابد. وقتی از نزدیک این فضای را مشاهده می‌کنیم واقعاً متأثر می‌شویم. در این‌جا بیمارانی که مبتلا به سل مقاوم و ایدز هستند حضور دارند که در حال مراقبت هستند اما این مراقبت‌ها ناقص است؛ یعنی به صورت فعال در زندان‌ها بیماریابی صورت نمی‌گیرد؛ زیرا اعتبار کافی وجود ندارد.»

دکتر قاضی‌زاده هاشمی، در عین حال از علت فراوانی زندانی در کشور هم گفت: «زیادی این زندانی‌ها به دلیل ناکارآمدی دستگاه‌ها است که ما در حال اداره آن‌ها هستیم. به دلیل بیکاری، سخت بودن شرایط ازدواج و مشکلات اجتماعی باعث شده این افراد در این‌جا جمع شوند، البته عده‌ای هم مجرم هستند. اما باید به آن‌ها نیز کمک کرد.»

او افزوده است: «مهم‌ترین اولویت باید تغییر سرانه باشد. شاید باورتان نشود سرانه بهداشت و درمان زندانیان روزی ۶۰۰ تومان است. در حالی که در روستاها سرانه بهداشت و درمان در ماه ۹۶ هزار تومان است. در واقع نمی‌شود که بیمه زندان و زندانیان را پوشش ندهد. با اصلاح سرانه هم پزشک و هم پرستاران در زندان حضور خواهند داشت؛ لذا باید کارهای اساسی‌تر صورت گیرد. همچنین فضای کافی باید تأمین شود به ازای هر نفر یک متر جا وجود داشته باشد. برای بهداشت و درمان زندان‌ها در بودجه ۹۴ ردیفی در نظر گرفته نشده است.»

در گزارش تصویری منتشر شده از بازدید وزیر بهداشت، مشخص است که سلول‌های زندان قزل حصار دیگر گنجایش پذیرش زندانی را ندارند و زندانیان بسیاری، بدون برخورداری از حریم خصوصی، در خوابگاه‌های مستقر شده در سوله‌ها نگهداری می‌شوند.

مراد هاشم زهی، یکی از اعضای کمیسیون بهداشت مجلس نیز دیروز گفته است:

«از آن‌جایی که زندان‌های کشور مکان‌های بسته‌ای هستند، نظارت بر آن‌ها در خصوص مسائل مختلف به خوبی و به موقع انجام نمی‌شود؛ زیرا متأسفانه در برخی شرایط به دلیل رعایت نشدن موارد بهداشتی، بیماری‌های عفونی و مسری نظیر هپاتیت میان زندانیان افزایش پیدا می‌کند. همچنین ممکن است که این افراد پس از آزادی از زندان، بیماری خود را به دیگر افراد جامعه نیز منتقل کنند که این موضوع تهدیدی برای بهداشت جامعه است؛ از این رو اجرای طرح نظام سلامت در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های کشور نیاز و ضروری است.»

او می‌گوید:

«وجود مشکلات اعتباری و بودجه‌ای در کشور به سازمان زندان‌ها نیز کشیده شده و همین موضوع سبب شده است که مسائل بهداشتی و درمانی در زندان‌ها به خوبی رعایت نشده و بیماران به خوبی درمان نشوند، از این‌رو زندان‌ها در بیش‌تر مواقع به حال خود رها شده و بیماری‌های بسیاری از جمله ایدز در این مکان‌ها شایع است؛ البته برخی زندانی‌ها با مصرف مواد مخدر و استفاده از سرنگ‌های آلوده و چند بار مصرف به انتقال بیماری‌های مسری در میان زندانیان کمک می‌کنند.»

بر اساس آخرین آمار منتشر شده رسمی، هم‌اکنون بیش از ۲۱۰ هزار نفر در ایران زندانی هستند، در حالی که گنجایش زندان های فعلی ۱۲۰ هزار نفر ذکر شده است. این میزان زندانی موجب شده تا ایران به عنوان یکی از رتبه‌داران تعداد زندانی در جهان شناخته شود.

چندی پیش، محمد باقر ذوالقدر، معاون راهبردی قوه قضائیه در یک همایش گفته بود: «نهادهای نظارتی گزارشاتی را ارائه می‌دهند که بعضاً اشاره می‌شود. خروجی آن پرونده‌های فساد است که گاهی در کشور وجود دارد و در شأن جامعه ما نیست. ما در شاخص آمار زندانی‌ها جزو ۱۰ کشور اول هستیم شاخصی که تکان‌دهنده است.»

از روزی که دولت «تدبیر و امید» به ریاست شیخ حسن روحانی این عنصر امنیتی و دوستان امنیتی‌اش، نشان داده است که در دشمنی با آزادی و حرمت انسانی، به ویژه با فعالان جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، فعالان فرهنگی و هنری، آزادی زبان مادری، حقوق بشر، محیط زیست و ... آماده‌اند به هر جنایتی دست بزنند.

از روزی که روحانی به قدرت رسیده به طور میانگین دو یا سه نفر را روزانه اعدام می‌کند؛ گشت ارشاد در خیابان‌ها به زنان و جوانان بی‌شرمانه تعرض و توهین می‌کنند؛ نویسندگان و هنرمندان مترقی و پیشرو را تهدید می‌کنند و ...

تنها هنر دولت روحانی با حمایت رهبرشان خامنه‌ای، بده بستان با گروه ۵ به علاوه یک و در رأس همه امریکاست؛ سرمایه‌های کشور را یا در جنگ‌های منطقه به باد می‌دهند و یا به جیب می‌زنند؛ اکثریت مردم ایران در اثر فشار تورم و گرانی و بیکاری کمرشان خم شده است؛ نیروی کار شدیداً استثمار می‌گردد و هرگونه اعتراض به حق مزدبگیران، با سرکوب پولیسی رو به رو می‌گردد و ...

بی‌تردید در چنین حاکمیتی، برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی و اجتماعی، به یک کمپین فراگیر، سراسری و پیگیر نیاز است. در این عرصه رقابت بی‌معنی و مضر است. اخیراً برخی برای آزادی برخی زندانیان آکسیون راه انداخته و برخی دیگر برای آزادی یک سری دیگر از زندانیان سیاسی. چنین حرکت‌ها به جای این که به آزادی زندانیان سیاسی و اجتماعی منجر شود بیش‌تر به تفرقه و انزوا دامن می‌زند. به عبارت دیگر تلاش برای آزادی زندانی سیاسی، زندانیان اجتماعی، لغو شکنجه و اعدام و سانسور در جامعه صرفاً یک امر طبقاتی نیست، بلکه یک امر فرا طبقاتی و فرا سازمانی و به طور کلی یک امر سیاسی-اجتماعی کل شهروندان و نیروهائی است که از وضعیت موجود به تنگ آمده‌اند. هر چند که طبقه کارگر و نیروهای سوسیالیست و کمونیست مدافع این طبقه، پیگیرترین نیروهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی راه آزادی و سوسیالیسم هستند.

در چنین شرایطی، برای این که مبارزه‌مان مؤثرتر واقع شود در عین حالی که در آکسیون‌ها و اعتراضات مختلف علیه کلیت حکومت سرمایه‌داری اسلامی و برای آزادی همه زندانیان سیاسی و لغو هرگونه شکنجه و اعدام و سانسور شرکت می‌کنیم بدان بسنده نکنیم و به فکر سازماندهی یک کمپین فراگیر و فراسازمانی و سراسری در جهت لغو سانسور و اختناق، لغو اعدام و آزادی همه زندانیان سیاسی و اجتماعی باشیم!

یکشنبه سوم خرداد [جوزا] ۱۳۹۴ - بیست و چهارم می ۲۰۱۵